

حلیم الکریم: فرم و محتوای ارجاعی

شارون ال. پارکر

مترجم: وحیداله موسوی



بیان و احساس هنرمندانه از طریق عواملی مانند پیشینه‌ی خانوادگی، حافظه‌ی فرهنگی، واکنش‌های روانشناختی به رویدادهای بیرونی و آموزش رسمی شکل می‌گیرد. حلیم/الکریم آموزش‌های هنری اولیه را در موسسه‌ی هنرهای زیبای بغداد (۱۹۸۳-۱۹۸۸) فراگرفت. او هنگامی که دانشجوی این موسسه بود، آثار فایک حسن را دید، یکی از بنیانگذاران گروه موسوم به «جامعه‌ی بدوی»؛ بعدها نام این گروه به «پیشگامان» تغییر یافت. اعضای این گروه تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ فعال بودند. دستمایه‌ی مورد علاقه‌ی آن‌ها، صحنه‌های زندگی روزمره‌ی روستایی بود.^۱ اگرچه الکریم با مدرک لیسانس هنر در رشته‌ی سرامیک از موسسه‌ی هنرهای زیبا فارغ التحصیل شد اما اندکی بعد به عکاسی روی آورد. الکریم علاقه‌ی خود به عکاسی را مدیون پدرش می‌داند که یک عکاس غیرحرفه‌ای ماهر و بسیار علاقه‌مند به تجربه‌گری بود.

همچنین یکی از عوامل تاثیرگذار در پیشرفت هنری الکریم، تماس با آثار هنر کهن سومری در موزه‌ی ملی بغداد بود. پس از بازگشت خانواده از بیروت به بغداد، پدر او در دانشگاه آمریکایی بیروت سمّت استادی داشت، الکریم وقت خود را در موزه‌ی ملی سپری می‌کرد، جایی که سرپرست آن کسی به جز عموی او نبود. گویا پیکره‌های سومری با آن تک‌چشم‌های بزرگ‌شان و بازنمود تندیس‌گون اینانا، الهه‌ی سومری، در بین مجموعه‌ی موزه بر سمت‌وسوی برخی از کارهای آتی او تاثیر گذاشته‌اند. مثلاً، تصویر زندانی عراقی (که در این‌جا آورده نشده) چشمانی بزرگ و خیره دارد، و سر الهه‌ی پنهان^۲ (۲۰۰۹)، که مدتی پس از تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ مفقود شده بود، با پارچه‌ای سیاهی که چهره‌ی او را پوشانده، پنهان شده است. این امر تا حدودی ممکن است بر فقدان و بازگشت نهایی مجسمه‌ی اصلی به موزه دلالت داشته باشد.



چهره پنهان (۱۹۹۵)

۱- علی، وجدان. هنر مدرن اسلامی: پیشرفت و تداوم، گیتزویل، ۱۹۹۷، صص ۵۱-۵۰.



حرم ۲

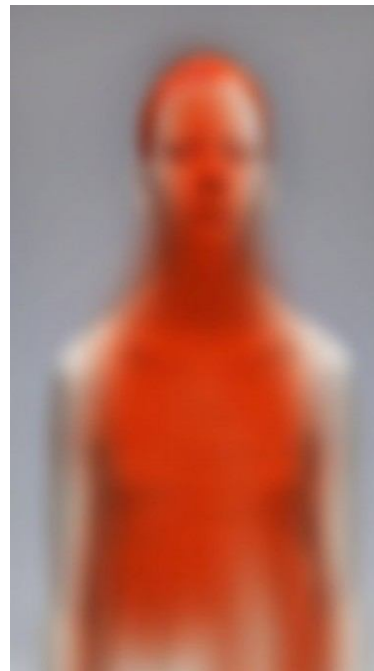
آگاهی الکریم از نظریه‌های شرق‌شناسی، و چیره‌دستی‌اش در استفاده از مجازهای شرقی را در عکسی از او، در سال ۲۰۰۸، با نام بدون عنوان ۶ از مجموعه‌ی حرم سلطان مشاهده کرد. این اثر خاص که سوژه را به‌عنوان یک جور کنیز

درازکش بر تخت به تصویر کشیده، به آثار هنرمندان شرق‌گرایی مانند اوژن دلاکروا، ژان-لئون ژروم، و آگوست - دومینیک انگر اشاره دارد.



بدون عنوان ۷

از زمان انتشار کتاب *شرق‌شناسی ادوارد سعید* که نخستین بار در سال ۱۹۷۸ به چاپ رسید، شرق‌شناسی به‌عنوان مفهومی که باید به‌شکلی جدی به آن پرداخت، مورد اتمام هنرمندان و نیز پژوهشگران در عرصه‌ی رشته‌های دانشگاهی قرار گرفته است. تحلیل سعید از گفتمان شرق‌شناسی، اولین سازوکار را برای درک کارکردهای قدرت و دانش به‌وجود آورد، همان‌گونه که در نوشته‌های میشل فوکو مطرح شده بود. این امر را می‌توان در تصاویر و نیز در نوشته‌ها یافت. با اینکه آثار هنرمندان شرق‌گرا به‌وضوح این مساله را به‌نمایش می‌گذارند، در برخی کارهای شیرین نشاط و معدودی از هنرمندان معاصر نیز می‌توان چنان چیزی را دید.^۲



عشق ابدی ۴ (۲۰۱۰)

۲- مثلا، نگاه کنید به مجموعه‌ی *زنان الله* از شیرین نشاط.



عشق پنهان ۱

بدون عنوان ۴ در تعارض با انفعال پیکره‌ی دراز کشیده در بدون عنوان ۶ در همان مجموعه، از منظر غیرمنفعلانه‌ای تصویر شده است. آن هم به دلیل نبود تأکیدی واضح بر آنچه زن در حال انجام آن است، چیزی که به قوه‌ی تخیل بیننده واگذار شده است. اگرچه، به نظر می‌رسد که زن چیزی را نگه داشته و فعالانه به سمت دوربین نگاه می‌کند. حلیم الکریم (متولد ۱۹۶۳) در دوره‌ای از بی‌ثباتی شدید در عراق، زندگی‌اش را آغاز کرد. سال‌های پس از تولد او را می‌توان با واژه‌هایی مانند ائتلاف‌های سیاسی و بی‌ثبات داخلی، کودتاهای متعدد، شورش‌ها و ناآرامی‌های محلی، مفقودشدن‌ها، اعدام‌های جمعی و سانسور توصیف کرد. توسعه‌ی آموزش در عرصه‌ی هنر، و نیز سایر عرصه‌های پژوهشی متوقف شد؛ بسیاری از اساتید و اعضای هیئت علمی در دانشگاه بغداد و آکادمی هنرهای زیبا فقط بر اساس وابستگی‌های

سیاسی و نه تجربه یا شایستگی‌های هنری خود به کار گمارده می‌شدند.^۳ برخی اساتید، دیگر اجازه‌ی تدریس پیدا نکردند؛ برخی دیگر جلای وطن کردند تا پناهندگی سیاسی بگیرند یا کاری برای خود دست‌وپا کنند.



حرم ۳

الکریم سال‌های آغازین زندگی‌اش را در بیروت گذراند، جایی که پدرش به تدریس در دانشگاه آمریکایی در آن‌جا مشغول شد. وقتی او به سن بلوغ رسید، خانواده‌اش به عراق بازگشتند و در شهر بغداد ساکن شدند. سرنوشت خانواده‌ی او به دلیل رویدادهای منطقه‌ای و وابستگی‌های سیاسی، با فرازونشیب روبرو شد. نزدیکی آن‌ها با حزب اسلامی «دعوه» که طرفدار انقلاب ایران بود از نظر رژیم بعث یک جور تهدید محسوب می‌شد. طی جنگ ایران و عراق برخی افراد خانواده‌ی الکریم از کشور گریختند اما یکی از برادرانش در زندان بدنام / بوغریب به جرم تولید هنر سیاسی زندانی شد.

طی اولین جنگ خلیج، حلیم الکریم که به خدمت سربازی فراخوانده شده بود، فرار کرد و در بیابان پنهان شد، جایی که با زن مسنی از اعراب بادیه‌نشین دوست شد. گفته‌اند که آن زن به او غذا و آب داد و او را با آداب و رسوم اعراب بادیه‌نشین آشنا کرد.^۴ هرچند که، الکریم گاه‌گاهی از مخفیگاه‌های خود خارج می‌شد، اما موفق شد از چشم ماموران دور بماند. این مساله تا حدودی به پنهان کردن مخفی‌گاه‌های خود از اعضای خانواده‌اش بود، که طی جنگ در عراق مانده بودند.

سرانجام الکریم از هلند، پناهندگی سیاسی گرفت. او در آکادمی گریتر ریتولد در آمستردام تحصیل کرد (۲۰۰۰-۱۹۹۶). او در حال حاضر گاهی در شهر دنور، در ایالت کلرادوی ایالات متحده و گاهی نیز در شهر دویبی در امارات اقامت می‌گزیند.

آثار الکریم در نمایشگاه‌های متعدد بین‌المللی به نمایش درآمده‌اند؛ او یکی از هنرمندان شرکت‌کننده در غرفه‌ی عراق در بی‌ینال ۵۴ ونیز در ایتالیا بود. آثار هنری او در بسیاری از مجموعه‌های مهم عمومی مانند موزه‌ی هنر معاصر عرب در دوحه‌ی قطر، مجموعه‌ی فرجام در شهر دویبی در امارات، گالری ساچی در لندن، موزه‌ی ویکتوریا و البرت در لندن، و موزه‌ی ویتنی هنر آمریکا در شهر نیویورک به چشم می‌خورند.

نشریه هنر معاصر، هنر فردا، شماره ۲۸+۶، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۴۶-۱۴۷

۳- علی، ص. ۵۱.

۴ - نگاه کنید به بیل، مادلین. «حلیم الکریم: آبستری عکسی و تاثیرات عقب ماندگی حاصل از کشمکش در عراق» در روبه‌های معاصر: هنرهای تجسمی از خاورمیانه، جلد چهارم، ۲۰۱۱، ص. ۱۵۴.